

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام



# فصل ۶:

## نظریه رشد استاد شهید مطهری در مدیریت

نسخه شماره سه / زمستان ۱۳۹۹  
<http://facultymembers.sbu.ac.ir/tavallaei>

تهیه و تنظیم:  
دکتر روح اله تولایی  
دانشیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

- جایگاه "نظریه" در علوم مختلف بسیار والا و مهم است. نظریه پردازی در علوم انسانی و اجتماعی با رویکرد اسلامی و بومی به طور عام و مدیریت اسلامی به طور خاص، نیاز حیاتی و فوری است که این مهم تلاش علمی و فکری اندیشمندان مسلمان را می طلبد.
- در بین صاحب نظران و متفکران این عرصه، استاد شهید مرتضی مطهری با ارائه نظریه های مختلف بویژه "نظریه رشد در مدیریت"، می تواند هم به عنوان عرضه کننده نظریه جدید و هم به عنوان الگویی در نظریه پردازی مطرح شود.
- البته پرواضح است که نظریه پردازی، ساده نیست که هر فردی با هر دانش و سطح فکری و توان ذهنی بتواند انجام دهد؛ ولی امر محالی هم نیست و می توان با راه های مختلف بویژه شناخت روش نظریه پردازی صاحب نظران و متفکران به تقویت ذهن و فکر و چگونگی استدلال خود اقدام کرد.

# مفهوم رشد:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

- آنچه در تحلیل مفهوم «رشد» لازم به توجه و تذکر است، تفکیک این مفهوم از مفاهیمی؛ چون، بلوغ، بلوغ عقلی و حتی جسمی است.
- مفهوم رشد در ارتباط با نعمت ها و سرمایه ای که در اختیار فرد است، مطرح می گردد، به این ترتیب که اگر نعمت ها توسط صاحبان آنها در مسیر درست و به نحو صحیح به کار گرفته شوند، نشانگر رشد فرد صاحب آنهاست.
- رشد در دو زمینه اصلی مدیریت فرد توسط خود (نسبت به سرمایه های مختلف مادی و معنوی) و همچنین مدیریت یک فرد نسبت به افراد دیگر؛ نظیر مدیریت انسان ها توسط پیامبران و رهبران، مطرح و سنجیده می شود. بنابراین مفهوم رشد به تبع تنوع نعمت ها و سرمایه ها، دارای انواع متعددی؛ چون، رشد جسمی، فکری، معنوی، ملی و ... است.

# تعریف رشد:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

- رشد یعنی اینکه انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره برداری یکی از سرمایه ها و امکانات مادی و یا معنوی که به او سپرده می شود داشته باشد. یعنی اگر انسان در هر ناحیه از نواحی زندگی که حکم یک شأن و وسیله ای را دارد، شایستگی اداره و نگهداری و بهره برداری از آن را داشته باشد، چنین شخصی در آن کار و در آن شأن، «رشدید» است؛ حال آن چیز هر چه می خواهد باشد، همه آن چیزها و اشیائی که وسائل و سرمایه های زندگی هستند. سرمایه به مال و ثروت انحصار ندارد.
- برای مثال: مردی که ازدواج می کند خود ازدواج و زن و فرزند و کانون خانوادگی، وسائل و به تعبیر دیگر سرمایه های زندگی او هستند و یا شوهر برای زن و زن برای شوهر حکم سرمایه را دارد.
- در واقع رشد یعنی قدرت مدیریت. مدیریت یکی از فروع مسئله رشد است؛ زیرا اگر موضوع رشد سرمایه های مادی و معنوی باشد؛ آن گاه مدیریت مصداق دارد. اگر موضوع رشد صرفاً سرمایه های انسانی باشد آن گاه رهبری و یا به تعبیری امامت مصداق دارد که البته امامت با نبوت تفاوت دارد (مطهری، ۱۳۸۵).

# رشد فردی و اخلاقی:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

➤ اولین رشدی که انسان باید از آن بهره مند باشد رشد فردی، شخصی و اخلاقی است. این سؤال پیش می آید که آیا اغلب افراد می توانند این سرمایه را اداره و از آن بهره برداری کنند؟ کمتر کسی است که چنانکه باید از سرمایه های فردی و شخصی خود بهره برداری کند.

➤ مثال مدیریت حافظه: افراد از نظر هوش، فهم، استعداد و حافظه با یکدیگر اختلاف دارند. انسان های رشید از حافظه خود بهره برداری صحیح می کنند، ولی آدم های غیر رشید ممکن است حافظه بسیار نیرومندی نیز داشته باشند اما نتوانند از آن استفاده کنند.

➤ انسان رشید کتاب ها و مطالبی را که برای خود لازم می داند، جمع می کند، آن ها را مکرراً مطالعه و دسته بندی و سپس خلاصه می کند بعد به موضوع دیگر می پردازد. چنین فردی اگر حافظه اش ضعیف هم باشد از آن حداکثر استفاده را می کند و مثل کسی می شود که کتابخانه منظمی با قفسه های مرتب دارد، کتابخانه ای که از هر قفسه اش به کتاب های معینی در رشته خاص مربوط می شود به طوری که هر کتابی را که بخواهد فوراً دست می گذارد روی آن و آن را می یابد.

# رشد فردی و اخلاقی\_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

- مثال مدیریت رشد در عبادت: مثال دوم از مدیریت فردی این است که، باید اعتراف کنیم ما راه عبادت را نیز نمی دانیم، یعنی ما از نظر عبادت نیز قادر به اداره خود به نحو صحیح نیستیم. غالباً خیال می کنند که چون عبادت خوب است پس هر چه بیشتر بهتر؛ فکر نمی کنند که عبادت آنگاه اثر خود را می بخشد که جذب روح شود و روح از آن به طور صحیح تغذیه نماید. همان طور که معنی استفاده از غذای خوب این نیست که هر چه بیشتر بهتر، معنی استفاده از عبادت آن نیست. مقصود این است که ظرفیت انسان برای عبادت یک ظرفیت محدود است؛ و عبادت باید با نشاط و روح توأم باشد.
- خوب عبادت کردن و از مواهب آن بهره مند شدن حساب و قاعده و به اصطلاح مکانیسمی دارد و مربوط است به حسن مدیریت خود. یعنی خود را، احساسات خود را، عواطف خود را، غرایز خود را و بالاخره قلب و دل خود را خوب اداره کردن، دل و احساس و عاطفه از هر چیز دیگر بیشتر نیازمند به مدیریت صحیح است.

# رشد در امامت و رهبری امت:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

- سطح بعدی رشد که انسان باید از آن بهره مند باشد، رشد در اداره انسانهای دیگر است.
- وقتی که موضوع رشد اداره انسان های دیگر باشد، آن را «مدیریت و رهبری» می نامیم.
- این نوع از رشد در اصطلاح اسلامی «هدایت» و به تعبیر رسا تر «امامت» نامیده می شود.
- دقیق ترین کلمه ای که بر کلمه «امامت» منطبق می شود همین کلمه «رهبری» است.
- فرق نبوت و امامت در این است که نبوت، راهنمایی، و امامت، رهبری است.
- نبوت، ابلاغ، اخبار، اطلاع دادن، اتمام حجت و راهنمایی است. راهنما چه می کند؟ راه را نشان می دهد؛ وظیفه اش بیش از این نیست که راه را نشان دهد. ولی بشر علاوه بر راهنمایی به رهبری نیاز دارد یعنی نیازمند است به افراد یا گروه و دستگاهی که قوا و نیروهای وی را بسیج کنند، حرکت دهند، سامان و سازمان بخشد. نبوت، راهنمایی است و یک منصب است؛ اما امامت، رهبری است و منصب دیگری است.

# رشد در امامت و رهبری امت\_ ادامه:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

- پیغمبران بزرگ، هم نبی و هم امام هستند. پیغمبران کوچک فقط نبی بودند و امام نبودند، رهنما بودند ولی رهبر نبودند؛ اما پیغمبران بزرگ هر دو منصب و هر دو شأن را داشته اند، هم شأن راهنمایی و هم شأن رهبری. ابراهیم، موسی و عیسی (ع) هر کدام رهنما و رهبرند.
- خاتم الانبیاء (ص) «رهنمای رهبر» است. قرآن مجید بر این اصل بسیار تکیه می کند و در معارف شیعه این اصل قرآنی جای شایسته خود را دارد.
- این نکته را باید یادآوری کنم که آنچه قرآن تحت عنوان رهبری از آن بحث می کند، مافوق رهبری ای است که بشریت می شناسد. رهبری ای که بشریت می شناسد از حدود رهبری در مسائل اجتماعی تجاوز نمی کند، ولی منظور قرآن از رهبری، علاوه بر رهبری اجتماعی، رهبری معنوی یعنی رهبری به سوی خداست و آن خود حساب دقیق و حساسی دارد و از رهبری های اجتماعی بسی دقیق تر و حساس تر است (مطهری، ۱۳۷۲).



# رشد ملی و کلان:

جزوه آموزشی

فلسفه مدیریت از دیدگاه اسلام

- رشد فقط به فرد منحصر نمی شود، در مورد ملت ها نیز سرمایه های طبیعی، فرهنگی و انسانی و امثال آن، سرمایه هایی است که در اختیار ملت ها قرار دارد.
- لذا «رشد ملی» عبارت است از لیاقت و شایستگی یک ملت برای نگهداری و بهره برداری و سودبردن از سرمایه ها و امکانات طبیعی و انسانی خود؛ به هر اندازه که لیاقت و شایستگی اداره و بهره برداری از آن ها را دارد، به همان اندازه «رشید» است.
- رهبری و مدیریت که موضوع اصلی بحث است خود مستلزم نوعی از رشد است؛ زیرا رهبری در حقیقت عبارت است از: "بسیج کردن نیروهای انسان ها و بهره برداری صحیح از نیروهای انسانی."